

در این خانه در سال ده و شصت
 قمری در روز دوشنبه پنجم
 ماه ذی القعدة در سال
 هجری در روز دوشنبه پنجم
 ماه ذی القعدة در سال
 هجری در روز دوشنبه پنجم

نوبت از سپید دیار دوم	داد و دهش زدن ستاین
بس در اعل بره خود را سینه	در زمان جان بود اندر شکان
در وقت از نیزه کم زوزشان	داد و دهش از کشته و کشت
دان عالی زهانشان کشت	ساجات در روز دوشنبه
ای محیط کرمت خوش مست	عزیزان و طاعت با کرم
ما که نیست از احسان تویم	کسی آهاده بطرفان تویم
لفظ لطف بر کرم کشتی دار	بسیاست بر ساست کلمه
خیز ما بنوی سپاس ازین	صرف مستی ما را بسکن
پر و طاعت ما را بکشی	صفت کوه ما را بنمای
بای از نیستی خود که تلول	دار و از فضل تو اینست قبول
بر هر خوان عیایش نشان	داین از که خطایش نشان
بکار آمده دی و نشان کرم	سینه پرینه آراوش کن
پنشن ده که ترا بشناسد	نوبت راز ما بشناسد

عقد نیست در هر مقام که بر بد و شتر طبع بر آید
 گوید آن ضرورت و وقت نمودن آن است

در این خانه در سال ده و شصت
 قمری در روز دوشنبه پنجم
 ماه ذی القعدة در سال
 هجری در روز دوشنبه پنجم
 ماه ذی القعدة در سال
 هجری در روز دوشنبه پنجم

تعداد کلمات در این کتاب
 بود از او که کل آنست
 زان نیزه بر می نامند
 معنی بیست و یک است
 فاسد است که بیست و یک است

مخوف ز نمانت ریاسین پیروز	کرم لا یعنی از وی کرمیت
مال لا نیضا از وی تو نیست	آن که زیور کرمش نه است
دین جز ما را عدل هر چه است	فاقد قناعت و غنا
نیست بزنا و انوائه عفا	کجج خالی ز شاعت است
صفاست کلاه کرمیت	دی که کرم است پسند
چون و بهر دست بران خوشه	کم کرم یک بکارت پیاز
بیزر سپار که در اندازد	قانع از پنج طلب کرمیت
طامع اند طلب پیوده	هر چه دادند با او پیاز
پسوی با آنده کردن خسته از	دشاعت کرم او پسته است
کرمین وقت نیست است کرم	کرمهان سوی شاعت پانی
زندان کرمی شاعت کرم	پست بر کرمیت کرم
قانع آراد و در طامع سینه	نیست جز قاعد چرم سینه

از طبع سندی چون در کرمیت کرمیت آن کرمیت که در دهان
 شاعتی چنان شاعت که در دهان کرمیت آن کرمیت که در دهان
 ی شکان فاسد است

در این خانه در سال ده و شصت
 قمری در روز دوشنبه پنجم
 ماه ذی القعدة در سال
 هجری در روز دوشنبه پنجم
 ماه ذی القعدة در سال
 هجری در روز دوشنبه پنجم